

فرق اقتصاد اسلامی با اقتصاد سرمایه گذاری^۱

چکیده

در این مقاله که تحت عنوان تفاوت نظام اقتصاد اسلامی و نظام سرمایه داری تدوین یافت سعی کرده ایم تا تفاوت این دو نظام را براساس تفاوت در مبانی و اصول و روش های هر دو اقتصاد مورد بررسی قرار دهیم بعد از بیان مباحث مقدماتی به عنوان دیدگاه اسلام در مورد انسان و اقتصاد اسلامی و سرمایه داری و چگونگی طرح اقتصاد اسلامی از منابع دانستیم که اقتصاد اسلامی دارای مجموعه ای از اندیشه های اخلاقی اسلامی و اندیشه های علمی اقتصادی می باشد که در چارچوب کامل خود با پایگاه فکری که بر آن استوار شده ارتباط دارد. در بحث تفاوت در مبانی اقتصادی نظام سرمایه داری با توجه به اصالت آزادی و اصالت انسان شکل گرفته و دارای اصولی مانند آزادی در مصرف و تولید مالکیت خصوصی اصل محدودیت و منابع و... می باشد. روش آن بر اساس عدم دخالت دولت و رقابت در بازار تعیین می گردد. اما اقتصاد اسلامی بر اساس جهان بینی الهی اصول اقتصادی خود را پایه گذاری نموده است که این اصول عبارت اند از اشکال متنوع مالکیت و محدودیت در مصرف و تولید، نا محدود بودن منابع و ... است. هدف از اقتصاد اسلامی هم اصل تامین اجتماعی، اصل سهیم بودن مردم در درآمد های دولتی ریشه کن فقر، عدالت اجتماعی و ... می باشد. اقتصاد اسلامی در روش عینی و اقتصاد اخلاقی می باشد.

کلید واژه: اقتصاد، اقتصاد سرمایه داری، سرمایه

مقدمه

^۱ - فریبا سادات، فاطمی، طلبه پایه پنجم، حوزه علمیه الزهرا، ۰۹۳۶۷۹۳۷۶۱۰

نوع نگرش نسبت به انسان در تمام شئون زندگی فرد تاثیر به سزایی دارد دیدگاه های مختلفی در این مورد در زمینه های مختلف فرهنگی، اقتصادی،... شکل می گیرد که مبانی آن ها برخاسته از انسان شناسی، هستی شناسی آن مکاتب می باشد. بر این اساس با توجه به جهان بینی الهی و مادی دو مکتب اقتصادی با عنوان اقتصاد سرمایه داری شکل می گیرد. شکل ابتدایی آن در اواخر قرون وسطی شکوفا شده است. بعد پایان فئورالیسم در دنیای غرب به نظام غالب بوده به تدریج این نظام از انگلیس به سراسر اروپا گسترش پیدا کرده و مرزهای سیاسی، فرهنگی ازپیش رو برداشته است. این مکتب اقتصادی انسان را از جنبه مادی مورد توجه قرار داده که باید از طبیعت و دنیا بهره برداری حداکثری داشته باشد و هرچه بیشتر از لذت های آن بهره مند گردد. در مقابل این دیدگاه، جهان بینی الهی قرار دارد که مخالف با مادی گری محض است و انسان را علاوه بر جنبه های مادی از جنبه های دیگری مثلاً روحی بررسی می کند. در این دیدگاه انسان فقط برای لذت ها و خوشی های زودگذر آفریده نشده بلکه دارای هدفی بالاتر و والاتر است. از این رو در زندگی دنیوی باید برای رسیدن به چنین هدفی برنامه ریزی کرد. شاید بتوان ریشه اقتصادی اسلامی را در زمان آغاز حکومت اسلامی در مکه توسط پیامبر(ص) دانست ولی اقتصاد اسلامی به عنوان یک نظام به صورت علمی هنوز مورد بررسی قرار نگرفته و همین جا ضرورت اهمیت موضوع آشکاری گردد که باتوجه به شرایط اقتصادی کشور و اقتصاد نا کارآمد در جامعه اسلامی بهترین تدبیر و راهکار به اجراء گذاشتن اقتصاد اسلامی است چرا که در اقتصاد اسلامی فقیر ثروتمند شده و بر ثروت ثروتمندان نیز افزوده می شود و به وسیله آن فقر از جامعه ریشه کن می شود و این ها در سایه تلاش و کارمیسر می شود نه با احتکا، ربا، اختلاس. با این وصف باید از احکام اقتصادی اسلامی قانون اقتصادی و نظام اقتصادی استخراج گردد. لذا اقتصاد اسلامی در صورت اجرا شدن با اقتصاد سرمایه داری متفاوت خواهد بود که این امر به نوع نگرش نسبت به انسان و جهان بینی انسان بازمی گردد. محقق در این مقاله سعی دارد که به بررسی تفاوت این دو نوع اقتصاد بپردازد.

۱-۱- **معنای لغوی**؛ واژه اقتصاد از ماده (قَصَدَ) به معنای تقسیم و اراده بر انجام کاری بوده و در معنای مرتبط دیگری چون عدل، میانه روی، حد وسط میان اسراف، استقامت و پایداری در مسیر به کار رفته است. مشتقات ریشه «قَصَدَ» در قرآن به معنای لغوی آن به کار رفته و ناظر اقتصاد میانه راه رفتن، مصدر میانجی نگه داشتن، میانه روی در هر کاری و مترادف صرفه جویی، قناعت، میانه روی، متضاد اسراف، برابر پارسی بازرگانی و تراز داری. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۳۵۰) (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۹، ص ۲۶۹) (طریحی، مجموعه البحرین، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۱۲۷) (فراهیدی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص ۵۴) (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۷۲)

معنای اصطلاحی اقتصاد؛ علم اقتصاد عبارت است از علم به مجموع وسایلی است که برای رفع نیازمندی های مادی بشر از آن استفاده می شود. (نظری، ۱۳۹۰، ص ۳۹)

۲-۱- **سرمایه در لغت**؛ سرمایه [س-ر] / س-رئ-ری [اسم مرکب] معروف است ولی در مایه و سرمایه فرق است و مایه رأس المال [س-ی-ی] مالدار، ثروتمندی، سرمایه داری، قدرت سرمایه ها و سرمایه داران، مجموع سرمایه داران. (معین، ۱۳۸۶، ص ۵۴۰)

سرمایه در اصطلاح؛ آن سودی که حاصل آید اگر خرج نکنند بر مایه، سرمایه شود و آن سود، زیان گویند. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۷۴۰)

علم اقتصاد؛ رشته های علوم اجتماعی است که در باب کیفیت مربوط به چگونگی روابط مالی افراد جامعه با یکدیگر و قوانین مذکور حکومت می کند و وسایلی که باید برعمل با توجه به مقتضیات زمان و مکان اتخاذ شود تا موجب سعادت ترقی جامعه و رفاه و آسایش افراد آن تامین گردد بحث می کند. (همان، ص ۳۶۰).

اقتصاد اسلامی؛ مجموعه ای از گزاره های دینی است که به عنوان بستر و زیر بنای نظام اقتصادی تلقی شده و غایاتی در زمینه اقتصاد برای انسان ترسیم کرده است. (هادوی، ۱۳۷۸، ص ۴۵۹)

۲- اقتصاد در اسلام

کلمه اقتصاد در اندیشه انسان، تاریخ طولانی دارد و به علت این که بین جهت سیستمی و جهت علمی اقتصاد خلأ ایجاد شده، مفهوم آن کمی پیچیده شده است وقتی می خواهیم درست اقتصاد اسلامی را بشناسیم لازم است که علم اقتصاد را از سیستم اقتصاد جدا کنیم از این رهگذر بتوانیم مقصود اقتصاد اسلامی را مشخص کنیم.

به این ترتیب علم اقتصاد؛ علمی است که حیات اقتصادی پدیده ها و جلوه های آن را تفسیر می کند به هم چنین ارتباط آن پدیده ها و جلوه ها را با اسباب و عوامل کلی که در آن حاکم است بیان می دارد.

۲-۱- سیستم اقتصادی؛ در حیات اقتصادی و حل معضلات علمی خودش از آن پیرو می کند به همین علت نمی توان جامعه ای را بدون دارا بودن یک سیستم اقتصادی تصور نمود زیرا هر اجتماعی با تولید ثروت و توزیع آن سرو کار دارد از این رو ناگزیر است که اسلوبی را بپذیرد تا به وسیله آن عملیات اقتصادی را تنظیم کند و همین اسلوب است که سیستم اقتصادی جامعه را معین می سازد. بدون شک، اختیار اسلوب معین برای تنظیم حیات اقتصادی به طور مطلق بدون علت می باشد بلکه همیشه بر اساس افکار و مفاهیم خاصی که دارای شکل اخلاقی یا علمی یا اشکال دیگر است، پایه گذاری می گردد این افکار و مفاهیم و زمینه فکری سیستم اقتصادی را که بر اساس آن استوار است، تشکیل می دهد.

بنابراین هنگام بررسی یک نوع سیستم اقتصادی، لازم است از جهت اسلوب آن سیستم را در تنظیم حیات اقتصادی و از جهت دیگر زمینه فکری و مفاهیم آن را که سیستم با آن مرتبط است ملاحظه کنیم بنابراین منظور ما از اقتصاد اسلامی، سیستم اقتصادی است که در این سیستم، روشی که اسلام در تنظیم حیات اقتصادی دارد، مجسم می گردد.

سیستم اقتصادی اسلام خود دارای یک پایگاه فکری است که خود سیستم ما را به آن رهنمون می شود می سازد. این پایگاه محتوی اندیشه های اخلاقی اسلامی و اندیشه های علمی اقتصادی می باشد به این ترتیب منظور ما از اقتصاد اسلامی سیستم اقتصادی است که در چارچوب کامل خود و با ارتباط پایگاه فکری که بر آن استوار شده است و نظر سیستم را در جهت حل معضلات تفسیر می کند مورد توجه قرار گیرد همین طور اگر بخواهیم نظام اقتصادی سرمایه داری را که معتقد به آزادی اقتصادی است بررسی کنیم باید افکار و مفاهیم اساسی که اقتصاد سرمایه داری را نسبت به آزادی استوار راسخ کرده است را مورد تحقیق قرار دهیم. (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۹۸)

۲-۲- چگونگی طرح اقتصاد اسلامی از منابع آن

ماهیت اقتصاد اسلامی با ماهیت دیگر اقتصاد ها از جمله اقتصاد سرمایه داری فرق دارد. از همین رو، روش مورد مطالعه در این دو نوع از اقتصاد نیز با همدیگر متفاوت خواهد بود کسی که راجع به اقتصاد اسلامی مطالعه می کند با سیستم منجزی که ساختمان تئوریک آن قبلاً تکمیل شده مواجه است کار او تنها این است که طرح کلی و حقیقی سیستم را نشان دهد و قواعد اصلی را تعیین کند.

بنابراین کار چنین شخصی اکتشاف است در صورتی که کار طرفداران نظام سرمایه داری ابداع مکتب است یعنی پی ریزی یک ساختمان تئوریک بر اساس اندیشه در این جا از اصل به فرع و از قاعده، نظریات و قواعد مکتب اقتصادی به رو بنا یعنی سیستم قانونی می رسیم ولی در اکتشاف نقطه آغاز غیر از این است. زیرا بعضی از جنبه های اقتصادی اسلامی را می توان مستقیماً از نصوص استنباط کرد ولی بخش مهمی دیگری نیز وجود دارد که از نصوص استنباط نمی شود بلکه به طور غیر مستقیم از سیستم قانونی نتیجه می گیرد. (صدر، بی تا، ص ۲۴)

طرح اقتصادی که از اسلام به دست می آید چون به استناد احکام و مفاهیم، تنظیم می شود محصول یک روش اجتهادی ویژه مشخصی است که مجتهد در تلفیق و جمع بندی احکام داشته است و به همین دلیل ممکن است صاحب نظران مختلف بنا به اجتهاد گوناگون شان طرح های متفاوتی از سیستم اقتصادی اسلامی معرفی کنند و از آن جا که طرح های مذکور با رعایت مقررات اجتهاد تنظیم شده است.

جملگی می تواند از طرح های مکتب اقتصادی محسوب شود زمانی که فاصله بزرگ تاریخی عصر حیات، محقق را از دوران صدور نصوص جدا کرده و او بخواهد به کمک این نصوص مسائلی را که مولد شرایط جدید است حل و فصل نماید و خطر اشتباه در مورد نصوص اجتماعی بیشتر از زمانی است احکام فردی (وجوب توبه گناهکار) جستجو نمی شود. بنابراین در مورد اقتصاد اسلامی طرح آن از نصوص مجتهد نیازمند به مطالعه وسیع تری خواهد بود. (همان، ص ۲۵-۲۴).

۲-۳- عنوان نگرش اسلام نسبت به انسان

اندرز به زراندوزان که اموال خود را انفاق نمی کنند، نکوهش مال راكد و سفارش به تلاش وقفه ناپذیر برای زندگی می تواند در تاثیر رشد و توسعه اسلام مورد توجه قرار گیرد. «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ کسانی که طلا و نقره را گنجینه و ذخیره می سازند در راه خدا انفاق نمی کنند به مجازات دردناکی بشارت ده». (توبه، آیه ۳۴)

اما رشد اقتصادی در اسلام تنها معلول کار مادی بلکه خداوند وعده داده که در پی ایمان و تقوا عمل صالح برکات زمین و آسمان ها بر آن ها خواهد گشود.

۵-۶- عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی سلسله اصلی کیفیت توزیع و درآمد، شغل و فرصت ها آزادی اقتصادی، امتیازها و به طور کلی توزیع بهره مندی های اقتصادی میان افراد است. (میرجعفری، ۱۳۸۸، ص ۹۶)

از این رو اسلام توزیع ثروت در جامعه اسلامی را از عنصراها و تضمین هایی بهره مند کرده تا بتواند عدالت اسلامی را محقق سازد که مراد از عدالت اجتماعی تعادل افراد جامعه از حیث سطح زندگی است و نه از حیث درآمد و مقصود از سطح زندگی این است که سرمایه به اندازه ای در دست افراد باشد که بتواند متناسب با مقتضیات روز از مزیت های زندگی برخوردار باشند.

۶- اهداف نظام سرمایه داری

۶-۱- ارزش های اخلاقی در اقتصاد

بر اساس نگرش نظام سرمایه داری کمال نهایی ارضای بیشتر و خواسته های مادی و جامعه چیزی جز جمع جبری افرادی که در اندیشه، عواطف منافع و انگیزه ها مستقل از هم هستند نیست اختلاف بیان مکتب های اخلاقی از دو ناحیه است تشخیص کمال مطلوب و راهی که انسان را به کمال مطلوب برساند بر این اساس رابطه دقیق و عمیقی میان جهان بینی الهی و نظریات اخلاقی منجر می گردد مربوط به جهان بینی است.

۶-۲- رفاه مادی و لذت

هدف سرمایه داری دستیابی بیشترین افراد به بیشترین لذت مادی است و این هدف نهایی نظام سرمایه داری است. در حالی که هدف نهایی نظام اقتصاد اسلامی عبودیت و بندگی خداوند است و این هدف نهایی همان هدف مستقیم تربیتی و فرهنگی اسلام است همچنین رفاه مادی در نظام سرمایه داری به معنای لذت مادی با کمترین محرومیت می باشد رفاه عمومی به معنای

دستیابی بیشترین افراد به بیشترین لذت مادی، ولی در بینش اسلامی رفاه مادی به معنای تامین خواسته های تعدیل شده به وسیله تحمل است و رفاه عمومی نیز به معنای مادی همه افراد می باشد و رفاه مساوی با سعادت نیست.

۶-۳- عدالت اقتصادی معنویت در رشد اقتصادی

در بینش سرمایه داری «عدالت» و «معنویت» اهمیت ندارد آن چه مهم است لذت افراد جامعه است حتی اگر تعداد کمی از افراد جامعه سهم زیادی از این لذت کل را به خود اختصاص می دهند. در این نظام رشد اقتصادی هدفی برتر از عدالت اقتصادی است در حالی که در بینش اسلامی رشد اقتصادی در رتبه ای پس از عدالت اجتماعی قرار می گیرد. (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۳۴۰)

نتیجه گیری

هر یک از نظام اقتصادی که در این پژوهش مورد بحث و مطالعه قرار گرفت جزئی از یک نظام کاملی است که همه جوانب زندگی انسان را در بر می گیرد و اقتصاد اسلامی نیز جزئی از نظام اسلامی بوده و شامل همه جوانب مختلف زندگی انسان می شود در این نوع از اقتصاد عصر روحی، فکری یا به عبارت دیگر معنویت عمومی جامعه اسلامی تاثیر عظیمی در اوضاع اقتصادی دارد و این معنویت عمومی دارای یک درجه و یا شکل معینی نیست که بتوان قبلاً آن را فرض نمود و بر پایه آن نظریه ساخت چنان که نظام اجتماعی اسلام پذیرش تغییر و تحول را بر طبق مصالح و نیازهای نو ظهور دارد بر اساس آن اسلام به رئیس حکومت این اجازه را داده که در پرتو قاعده ثابت نظام و طبق مصلحت و احتیاج در مباحث اقتصادی اجتهاد کند به این ترتیب اقتصاد اسلامی در روش و همه جزئیات گسترده خویش پیوستگی دارد و با مبانی هستی شناسی و انسان شناسی خود پیوند خورده است و اصول اقتصادی آن بر اساس عقیده توحید (یگانه پرستی) و مفهوم اسلامی تقوی شکل گرفته است و آن مفهومی است که می گوید: «تقوی معیار و احترام و بر تربیتی توده ها می باشد. بنابراین مطالب اقتصاد اسلامی با نظام سرمایه داری که براساس آزادی و اصالت فرد بنا نهاده شده است تفاوت های اساسی خواهد داشت زیرا اختلاف اساسی در جهان بینی و نظریات اخلاقی منجر به اختلاف در تشخیص کمال مطلوب خواهد شد.

الف : کتب فارسی

- ۱- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ بیستم، ۱۳۷۷.
- ۲- صدر، محمد باقر، اقتصاد ما، بی جا، بررسی مکتب اقتصادی اسلام، عبدالعلی سپهبدان، بی تا.
- ۳- علی اکبری، حسن، حیات طیبه، بی جا، نشر نسل کوثر، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۴- عیوضلو، حسین، فلسفه اقتصاد اسلامی، تهران، دانشگاه امام صادق، چاپ اول، ۱۳۶۰.
- ۵- مطهری، مرتضی، نظری به نظام های اقتصادی اسلام، بی جا، انتشارات صدرا، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- ۶- معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، موسسه انتشاراتی امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ۷- میرجعفری، سیدحسین، فلسفه علم اقتصاد اسلامی، قم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۸.
- ۸- نظری، حسن، روش شناسی علم اقتصاد اسلامی با رویکرد واقعیت نهادی آن، بی جا، سازمان مطالعه و تدوین کتب، ۱۳۹۶.
- ۹- ----، ----، نظریه پردازی علمی اقتصاد اسلامی، بی جا، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بی تا.
- ۱۰- ----، ----، حسن، و دیگران، سازمان مطالعات و تدوین کتب، بی جا، ۱۳۹۰.
- ۱۱- هادوی تهرانی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی در اسلام، قم، خانه خرد، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- ۱۲- یوسفی فراهانی، ماهیت ساختار اقتصاد اسلامی، تهران، موسسه فرهنگی و انتشارات اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۹.

ب : کتب عربی

- ۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دارالقلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ.
- ۲- طریحی، نجم الدین، مجمع البحرین، بی جا، نشر مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵.
- ۳- فراهیدی، خلیل ابن احمد، انتشارات اسوه، قم، سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۳.

۴- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۸.